

# فرهنگ قرآن، انسانی یا عربستانی؟

<?xml encoding="UTF-8">

اگر قرآن برای همه زمان ها و مکان ها است، چرا از اصطلاحات و فرهنگ رایج عربستان استفاده کرده است؟ این سؤال از مهم ترین سؤالاتی است که در مقولات دینی و معارف قرآنی مطرح می شود. برای پاسخ توجه به سه نکته اساسی که مقدمه پرسش به شمار می آید، ضرورت دارد:

1. خاتمیت دین آن که چنین پرسشی مطرح می کند شنیده یا پذیرفته که اسلام خاتم ادیان است و تامین نیازهای معرفتی و دستوری مورد نیاز انسان را تا روز قیامت به عهده دارد.

2. جامعیت دین دو نیاز اصلی بشر یعنی کمال و سعادت، بیان مصادیق و راه های تحقق این دو خواست فطری و عمومی بشر با توجه به معبری که زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی هر یک از انسان ها از آن می گذرد در واپسین برنامه وحی که در قرآن و سنت متجلی است، ارائه شده است. بشر انتظار دارد ناگفته ای در این میان نباشد و راهی روشن کمال و سعادت در تمام مراحل حیات و با تمام بساطت و ترکیبی که زندگی انسان به خود می گیرد، در قرآن و سنت ارائه شده باشد. از سوی دیگر، لازم است دین توانایی ها و ظرفیت های فردی و جمعی بشر را به کارگیرد و باهدایت و راهنمایی کاستی هایش را جبران کند.

3. زبان قرآن «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (1) ما انسان را به راه هدایت کردیم یا شکر کننده است یا ناسپاس». «ان علیناللهدی» (2) وظیفه ما هدایت است».

زبان هدایت عمومیت و گستردگی را اقتضا می کند. کتاب هدایت باید برای ارتباط با تمام فرهنگ ها ظرفیت داشته باشد و در حصار تنگ فرهنگ یک دوره محصور نگردد، به عبارت دیگر، لازمه ایمان و وابستگی به قرآن و معارف آن نباید به گرفتار آمدن در فرهنگ عربی - عربستانی معاصر پیامبر انجامد. اصرار بر پذیرش فرهنگ عربی - عربستانی عرب معاصر ظهور قرآن حتی برای عرب امروز نیز قابل پذیرش نیست. از جمع بندی این سه نکته نتیجه گرفته می شود که قرآن برای همه انسان ها و همه زمان ها است، نمایانده واپسین دین و جامع ترین آن ها است و به یک فرهنگ و قوم اختصاص ندارد. در سایه قرآن، همه افراد و اقوام با هر درجه ای از رشد و توان، پاسخ سؤالات خود را در راه تحصیل کمال و سعادت حقیقی می یابند. چرا فرهنگ و اصطلاحات عربستان در قرآن جلوه گر شده است؟!

در پاسخ به این پرسش باید یادآور شد، استفاده از فرهنگ و اصطلاحات مخاطبان مستقیم برای هدایت ضرورت دارد. لازمه هدایتگری ارتباط با مجموعه باورها و رفتار فرد و جامعه و نقادی آن ها است. در سایه همین ارتباط است که برخی از باورها و رفتارها تایید، پاره ای تصحیح و تکمیل و برخی مردود اعلام می شود. هم زبان به کار رفته در ارتباط و هم غالب مسائلی که به آسیب شناسی اندیشه و رفتار مربوط می شود، نتیجه طبیعی چنین

ارتباطی است. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «نزل به الروح الامین، علی قلبک لتكون من المنذرين . بلسان عربي مبين، (3) و این قرآن به حقیقت از جانب خدا نازل شده، جبرئیل آن را نازل گردانید و آن را بر قلب تو فرود آورد تا از جمله اعلام خطر کنندگان باشی با زبان عربی و فصیح و آشکار.»

با بهره‌گیری از زبان عربی در قرآن، فهم و سنجش و راه تعقل قوم پیامبر باز و نیز پرورش روح تقوا و خود نگهداری آن‌ها ممکن می‌شود: «انا انزلناه قرآنا عربيا لعلکم تعقلون، (4) ما آن را به صورت قرآن عربی نازل کردیم شاید تعقل کنید.»

«قرانا عربيا غير ذي عوج لعلهم يتقون، (5) قرآن عربی است که در آن هیچ ناراستی و حکم ناصواب نیست، باشد که مردم پرهیزگار شوند.»

مسائلی چون «زنده به گور کردن دختران» (6)، «نسی» (7) - به تأخیر انداختن ماه‌های حرام برای ادامه جنگ - «ظهار» (8) - حرام شدن همسر با عبارت پشت تو چون پشت مادرم می‌نماید - و «ورود به خانه از پشت خانه» (9) در میان عرب جاهلی و معاصر پیامبر اتفاق می‌افتاد و قرآن که وظیفه خود را هدایت می‌دانست باید موضع خود را در مورد آن اعلام می‌کرد. ورود فرهنگ و اصطلاحات خاص عربستان به قرآن در همین راستا توجیه می‌شود.

همین هدف تربیتی و ظرفیت قوم معاصر در درک و پذیرش آیات الهی سبب شد قرآن با مکث و درنگ نازل شود. نزول تدریجی قرآن در طول 23 سال رسالت حضرت پیامبر اکرم (ص) نشان می‌دهد که قرآن مترصد نوآمدهایی در وضع فردی و اجتماعی عرب بود تا در فرصت پیش آمده وظیفه «هدایت» را به انجام رساند: «و قرانا فرقناه لتقراه علی الناس علی مکث و نزلنا تنزیلا، (10) و قرآنی را جزء جزء بر تو فرستادیم که تو نیز بر امت به تدریج قرائت کنی. این از تنزیلات بزرگ ما است.»

استفاده از تمام ظرفیت‌های کلامی، باورها، دغدغه‌ها و دلوپسی‌ها، علائق، استعاره، تشبیهات و کنایه‌های عرب معاصر نزول قرآن، از لوازم «هدایت» است، چنانکه خود قرآن بر این مهم تأکید می‌ورزد: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم، (11) و ما هیچ رسولی در میان قومی نفرستادیم مگر به زبان آن قوم تا بر آن‌ها معارف و احکام را بیان کند.»

بنابراین، اگر در قرآن مجموعه‌ای از اصطلاحات، واژه‌ها، مسائل فکری و رفتاری عربستان ظهور کند، مقتضای طبیعت هدایت و تربیت است و شگفت‌انگیز نیست.

راهی به آینده اگر رسالت قرآن به عرب معاصر پیامبر محدود بود، هیچ سستی و فتوری در انجام این وظیفه و ابلاغ پیام هدایت و تربیت صورت نگرفته است، اما مساله رسالت جهانی و همیشگی قرآن چطور؟ جهان شمولی و عمومیت مخاطبان قرآن از آیات قرآن استفاده می‌شود، چنان که می‌فرماید:

1. «و ما ارسلناک الاکافه للناس بشیرا و نذیرا، (12) و ما تو را جز برای این که عموم بشر را بشارت دهی و آن‌ها را از خطرهای پیش روی بترسانی نفرستادیم، ولی اکثر مردم آگاه نیستند.»

2. قل لا اسئلكم علیه اجرا ان هو الا ذکرى للعالمین، (13) بگو تقاضای پاداشی بر رسالت از شما ندارم. قرآن نیست مگر تذکری برای جهانیان.

3. «و ما تسئلهم علیه من اجر ان هو الا ذکر للعالمین، (14) و ما تقاضایی بر این رسالت نکردیم. قرآن نیست مگر آن که تذکری برای جهانیان باشد.»

- 4 . «و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين، (15) ما تو را به رسالت نفرستادیم مگر آن که رحمت برای جهانیان .»
- 5 . «تبارک الذي نزل الفرقان علي عبده ليكون للعالمين نذيرا، (16) با برکت و بزرگواری آن پاک خداوندی است که قرآن را بر بنده خاص خود نازل فرمود تا برای اهل عالم اعلام خطر و هشدار باشد .»
- 6 . «و ما هو الا ذكر للعالمين، (17) قرآن جز تذکری برای جهانیان نیست .»
- 7 . «فاین تذهبون ان هو الا ذكر للعالمين، (18) پس به کجا می روید قرآن جز تذکری برای عالمیان نیست .»
- 8 . «و ما هي الاذکری للبشر، (19) و این آیات نیست مگر تذکری برای بشر .»
- 9 . «نذیرا للبشر، (20) قرآن اعلام خطر به بشریت می کند .»
- 10 . «هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم يتلوا عليهم آياته و يزيكهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين و آخرین منهم لما يلحقوا بهم و هو السميع العليم، (21) او خدایی است که در میان قومی امی و دارای فرهنگ مادری رسولی از خود آن ها فرستاد تا آیاتش را بر آن ها بخواند و آن ها را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد ، هر چند قبل از آن در گمراهی آشکار بودند و همچنین دیگرانی را که هنوز به آن ها (قوم امی) ملحق نشده اند، و خداوند شنوا و دانا است .»
- 11 . «و اوحى الي هذا القرآن لاندکرکم به و من بلغ، (22) (پیامبر) و به من این قرآن وحی شد تا شما را اعلام خطر کنم به وسیله آن و نیز هر کس را که این پیام به او برسد .»
- پس در رسالت جهانی و عمومی قرآن هیچ تردیدی نیست . پیامبر همان گونه که بامردم عصر خویش سخن می گفت، با دیگر مردم جهان نیز که پس از آن ها خواهند آمد، سخن می گوید .
- این جا است که مساله مهم چگونگی سخن گفتن قرآن با آیندگان مطرح می شود .
- راه های گذر از فرهنگ عربستانی به فرهنگ انسانی قرآنی فرهنگ انسانی است که در یک زمان و یک زبان شکل می گیرد، اما در آن محدود نمی ماند . قرآن با فرهنگ و اصطلاحات رایج در عربستان آغازید، اما به آن بسنده نکرد . مسائل مردم آن عصر عربستان را حل کرد، اما از حل مسائل عرب و غیر عرب جهان ناتوان نیست . تربیت و هدایت عرب در فرهنگ قرآنی فقط نمونه ای برای حل مسائل مربوط به کمال و سعادت بشریت است . شماری از ابزارهای به کار گرفته شده در قرآن برای گذر از فرهنگ محدود عربستان به فرهنگ انسانی عبارت است از :
- 1 . آیات متشابه آیات متشابه (23) در قرآن و پیام های مرکب آن ها را عرب معاصر به گونه ای می فهمید، اما مفهوم شکل یافته و کامل آن برای نسل های بعد به ودیعت گذاشته شده و راه فهم کامل تر و عمیق تر پیام های دین را در عصرهای متاخر باز گذارده است .
- 2 . عبرت ها عبرت هایی که در سرگذشت اقوام و امم و مثال ها و تشبیهات وجود دارد و انسان از حال به آینده و از کوری و نزدیک بینی به بصیرت و روشن بینی و مدیریت مناسب در آینده هدایت می کند . (24)
- 3 . اصول عام اصول عامی که لابه لای موضوعات خاص بیان شده است . برای نمونه اشاره به برخی از پیام های عمومی تصریح شده در برخی آیات سوره احزاب سودمند می نماید :
- الف) در آیه دوم سوره احزاب به پیامبر امر می کند که تابع وحی رسیده از پروردگارش باشد، اما آشکارا از آگاهی

کامل خداوند به اعمال تمام انسان ها سخن می گوید : «واتبع ما یوحی الیک من ربک ان الله کان بما تعملون خبیرا» .

(ب) در آیه سوم پیامبر را به توکل بر خدا فرمان می دهد، اما در ادامه اصل کلی کفایت خدا برای وکالت را مطرح می سازد بی آن که به پیامبر منحصر باشد : «وتوکل علی الله و کفی بالله وکیلا .»

(ج) در آیه های چهارم و پنجم، بحث فرزند خوانده ها و لزوم انتساب آن ها به پدران شان را بیان می کند . سپس به یک قانون کلی اشاره می فرماید : نسبت هایی که از حد زبان خارج نشود و صرفا خطای زبانی باشد گناه نیست . در واقع آیه قاعده ای کلی را درباره مطلق الفاظ و تعارفات لسانی را که از روی عمد به کار نرفته بیان می کند و زمینه استفاده ای بسیار فراتر از مساله فرزند خواندگی را فراهم می سازد : ادعویهم لآبائهم هو اقسط عندالله فان لم تعلموا آباءهم فاخوانکم فی الدین و موالیکم و لیس علیکم جناح فیما اخطاتم به ولکن ما تعهدت قلوبکم و کان الله غفورا رحیما .»

(د) در آیه ششم همین سوره بحث وصیت به مهاجران و انصار و این که برخی از مؤمنان آن ها را بر اقوام و فامیل خویش ترجیح می دادند، مطرح شده است . خداوند با ذکر این نکته که پیامبر بر مؤمنان از خود آن ها سزاوارتر است و زنان پیامبر حکم مادران مؤمنان را دارند، می فرماید : صاحبان رحم بعضی بر بعضی در کتاب خدا از مؤمنان و مهاجران اولی و سزاوارتر هستند . از این رو، ارث را باید در مرحله اول به آن ها داد مگر آن که از راه احسان به دوستان وصیت کنید . آیه با این که در مورد وصیت به مهاجران و انصار است، با تبدیل مهاجران و انصار به دوستان حکم کلی جواز وصیت به دوستان پس از رعایت حق اولوالارحام و بستگان را بیان می دارد : «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم و ازواجه امهاتهم و اولوالارحام اولی ببعض فی کتاب الله من المؤمنین و المهاجرین الا ان تفعلوا الی اولیائکم معروفا ان ذلک کان فی کتاب مسطورا .»

(ه) آیات هفتم و هشتم به مساله اخذ میثاق از تعدادی از انبیا پرداخته، اما وقتی به توضیح علت این میثاق می پردازد، قاعده ای عمومی را بیان می دارد : «لیسئل الصادقین عن صدقهم و اعد للکافرین عذابا الیما، تا راستگویان عالم را از حقیقت و صدق ایمانشان باز پرسند و اهل کفر را کیفر تکذیب رسل، عذابی دردناک مهیا کند .»

این ویژگی قرآن است که از موضوعات جزئی برای بیان اصول کلی بهره می برد تا در محدوده زمانی و مکانی خاص باقی نماند و برای همه انسان ها در همه زمان ها و مکان ها راهگشا باشد .

(و) بطون

قرآن کریم برای دستیابی به هدف هدایت تمام انسان ها از حقیقتی به نام «بطون» نیز بهره برده است . پیامبر اکرم (ص) می فرماید : «ما فی القرآن آیه الا ولها ظهر و بطن، (23) در قرآن آیه ای نیست مگر آن که دارای ظاهر و باطنی است .»

از این روایت استفاده می شود تمام آیات قرآن، افزون بر معنای آشکار، از معانی پنهان نیز برخوردارند . حتی برخی روایات شمار این معانی پنهان را تا هفتاد بطن بر شمرده اند . امام صادق (ع) درباره مراد پیامبر اکرم (ص) از این می فرماید : «ظهره تنزیله و بطنه تاویله منه ما قد مضی و منه ما لم یکن یجری کما تجری الشمس و القمر، (25) ظاهر قرآن تنزیل قرآن است و باطن قرآن تاویل آن است . بخشی از آن گذشته و برخی هنوز نیامده است . قرآن همچون خورشید و ماه جریان دارد . . بنابراین، مراد پیامبر اکرم (ص) آن است که هر آیه ای تنزیل و تاویل دارد . امام صادق (ع) در روایتی دیگر می فرماید : «ظهر القرآن الذین نزل فیهم و بطنه الذین عملوا بمثل اعمالهم،

(26) ظاهر قرآن کسانی هستند که قرآن در بین آن ها نازل شد [و آیات ظاهرش در مورد آن ها و با آن ها سخن می گوید] ، باطن قرآن اشخاص و اقوامی هستند که [هنگام نزول نبودند و بعدها به عرصه وجود گام نهادند . آن ها] اعمالی انجام می دهند که شبیه کردار پیشینیان است . « [براساس همین تشابه آیات الهی قرآن بر آن ها تطبیق می شود و قرآن بر افراد و اقوام جدید جریان می یابد ] .

4 . سنت وجود عناصر بیرونی نظیر وجود تبیینات پیامبر اکرم (ص) که در آیه «وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون» ، (28) و ما بر تو ذکر نازل کردیم تا به وسیله آن قرآنی را که با هدف استفاده مردم نازل شده است، برای آن ها تبیین کنی شاید آن ها تفکر کنند .» به آن تصریح شده است .  
مراد از این تبیین بیان فروع، شروط و خصوصیات و قیود اوامر الهی است که در قالب سنت از آن حضرت و عترت پاکش به دست ما رسیده است .  
در سایه تبیینات چهره جامع، عمومی و گسترده قرآن روشن می شود و توان و ظرفیت پاسخ به تمام نیازها و سؤالات نو فراهم می آید .

5 . اجتهاد چون سؤالات بشر بسیار متنوع است و همیشه امکان دسترسی به معصومان نیست، در سامان دین و نظام پاسخگویی آن عنصر مهم دیگر به نام اجتهاد آورده شده است .

اجتهاد به معنای تلاش و کنکاش در منابع اصیل دین باهدف پاسخ به سؤالات و مسائل نوآمد است . امام زمان (عج) در روایتی وظیفه عموم مردم در مسائل جدید را مراجعه به آشنایان با فرهنگ و علوم اهل بیت (ع) می داند و می فرماید : «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم» ، (28) در مسائل جدید که بر شما واقع می شود، به راویان احادیث ما رجوع کنید پس آن ها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آن ها .»

در پرتو اجتهاد پاسخ سؤالات نو از منابع اصیل که یکی از آن ها قرآن است استخراج می شود و در اختیار جامعه قرار می گیرد . بنابراین، قرآن کریم در فرهنگی خاص و محدود ظهور کرد، ولی با ابزارهای متفاوتی که به کار گرفت خود را از حصار تنگ آن فرهنگ رهایی بخشید و در کنار حل مشکلات جامعه محدود آن روز عربستان راهکارهای حل مشکلات بشر و رسیدن او به سعادت و کمال را در همه زمان ها و مکان ها ارائه داده است .

پی نوشت ها :

1 . انسان (76) : 3 .

2 . لیل (92) : 12 .

3 . شعرا (26) : 194 .

4 . یوسف (12) : 2 .

5 . زمر (39) : 28 .

6 . تکویر (81) : 8 .

7 . توبه (9) : 37 .

- 8 . مجادلہ (58) : 3 و 2 .
- 9 . بقر (2) : 189 .
- 10 . اسراء (17) : 106 .
- 11 . ابراهيم (14) : 4 .
- 12 . سباء (34) : 28 .
- 13 . انعام (6) : 90 .
- 14 . يوسف (12) : 104 .
- 15 . انبياء (21) : 107 .
- 16 . فرقان (25) : 1 .
- 17 . قلم (68) : 52 .
- 18 . تکوير (81) : 27 .
- 19 . مدثر (74) : 31 .
- 20 . مدثر (74) : 37 .
- 21 . جمعہ (62) : 3 و 4 .
- 22 . انعام (6) : 19 .
- 23 . ر . ر . ک : آل عمران (3) : 7 .
- 24 . نظير آیات 2 سوره حشر، 13 آل عمران، 111 يوسف و 26 نازعات .
- 25 . بصائر الدرجات، ص 196، حديث 7 .
- 26 . تفسر عياشي، ج 1، ص 11، حديث 4 .
- 27 . نحل (16) : 44 .
- 28 . کمال الدين، ج 2، ص 483 .